بسم الله الرحمن الرحیم

فهرست مطالب:

[تولی من قبل الجائر 2](#_Toc428525875)

[روایت پنجم 2](#_Toc428525876)

[بررسی نظریات در مورد محمد بن عیسی بن عبید یقطینی 2](#_Toc428525877)

[توثیق نجاشی 3](#_Toc428525878)

[نظریات در مورد تضعیف محمد بن عیسی بن عبید یقطینی 3](#_Toc428525879)

[جمع‌بندی 4](#_Toc428525880)

[نظریه اول 4](#_Toc428525881)

[نظریه دوم 4](#_Toc428525882)

[بررسی علل تضعیف شیخ (ره) 4](#_Toc428525883)

[بررسی علل تضعیف ابن‌بابویه 5](#_Toc428525884)

[بررسی علت تضعیف محمد بن حسن بن ولید 5](#_Toc428525885)

[جمع‌بندی 5](#_Toc428525886)

[نظر ما نسبت به ضعف محمد بن عیسی بن عبید یقطینی 6](#_Toc428525887)

# تولی من قبل الجائر

## روایت پنجم

**«وَ عَنْ عَلِی بْنِ إِبْرَاهِیمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنْ یونُسَ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حُمَیدٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ ع إِنِّی وُلِّیتُ عَمَلًا فَهَلْ لِی مِنْ ذَلِک مَخْرَجٌ فَقَالَ مَا أَکثَرَ مَنْ طَلَبَ الْمَخْرَجَ مِنْ ذَلِک فَعَسُرَ عَلَیهِ قُلْتُ فَمَا تَرَی قَالَ أَرَی أَنْ تَتَّقِی اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لَا تَعُدْ»[[1]](#footnote-1)**

# بررسی نظریات در مورد محمد بن عیسی بن عبید یقطینی

این روایت از لحاظ حمید ضعف دارد. اما در سلسله سند، محمد بن عیسی بن عیبد نیز قرار دارد. وی در بسیاری از روایات آمده است. البته به نام عبید یقطینی روایات زیادی نیست ولی به نام محمد بن عیسی در بالای 1000 روایت آمده است. با قراین مشخص است که محمد بن عیسی بن عبید یقطینی است. از دیرباز،‌وی محل اختلاف و مناقشه بوده است. از قبل اصحاب کتب رجال، زمان والد مرحوم صدوق (ره) محل اختلاف‌نظر بوده است. بنابراین یکی از بحث‌های رجالی مهم،‌در مورد عیسی بن عبید یقطینی است. در مورد ایشان دو نظریه وجود دارد:

1. توثیق

2. تضعیف

ممکن است کسی توقف نیز بگوید که فرقی نمی‌کند. این اختلاف اساسی ناشی از نکته‌ای است که بعد عرض خواهم کرد. ایشان از یاران ائمه بعد از امام رضا (ع) هستند. دو طرف نظریاتی که برای وی وجود دارد،‌رجال بزرگی هستند.

کسی مثل نجاشی ایشان را با عبارات بلند توثیق کرده‌اند. ایشان جلیل، ثقه و ... است. این تعابیر در نجاشی است. در تعابیر دیگر مثل فضل بن شاذان و ... نیز آمده است. حتی علمای متأخر مثل آقای خویی و مجلسی نیز از ایشان تعریف کرده‌اند و توثیق وی را پذیرفته‌اند. چیزی که برای مهم است کلام نجاشی است.

کسانی که قائل‌اند وی تضعیف دارد از جمله محمد بن حسن ولید، ابن‌بابویه، شیخ (ره) و ... .

این دو صف‌کشی بزرگی است که در مورد ایشان وجود دارد. یک صف کسانی هستند که توثیق کرده‌اند و از نجاشی ناشی می‌شود. یک صف نیز کسانی هستند که ایشان را تضعیف کرده‌اند که از محمد بن حسن ولید شروع می‌شود.

## توثیق نجاشی

یک توثیق به‌عنوان پایه برای ایشان وجود دارد. این توثیق نجاشی است. توثیق ایشان پایه‌ی قوی دارد. رجال نجاشی یکی از مهم‌ترین کتب رجالی ماست. رجالی نیز به‌سادگی از ایشان عبور نکرده است بلکه در مورد ایشان می‌گوید: ثقة، جلیلٌ و کثیرة الروایة و کذا کذا. در مورد ایشان پنج توصیف بلند دارند.

وقتی کسی را بخواهیم توثیق کنیم،‌ دو رکن دارد، یکی اینکه توثیقی آمده باشد و دوم اینکه معارض نداشته باشد.

با شهادت مرحوم نجاشی،‌توثیق تام است.

## نظریات در مورد تضعیف محمد بن عیسی بن عبید یقطینی

اما رکن دوم این است که معارض نداشته باشد. اکنون باید قضیه‌ِی معارض آن را موردبررسی قرار بدهیم. در کتب معارضی وجود دارد. تضعیفی وجود دارد که باعث ساقط‌ شدن توثیق می‌شود. در اینجا محل بحث است.

عمده معارض در بین متقدمین است. در مورد تضعیف ایشان نظریاتی وجود دارد:

1. این نظریه اقدم است و بنا بر رأی جمع، نظر محمد بن حسن بن ولید است که استاد ابن‌بابویه بوده است. ایشان صاحب نظریات و دیدگاه‌های رجالی است. ایشان دارای آرای رجالی هستند. ایشان فرمودند: آنچه عیسی بن محمد بن عبید آمده است، مورد اعتماد نیست. ایشان می‌‌فرماید روایات کتب نوادر صحیح است الا روایاتی که محمد بن عیسی از یونس بن عبدالرحمان نقل می‌کند. ظاهر این امر این است که تضعیف می‌کند. یونس بن عبدالرحمان مشکلی ندارد. ایشان یکی از شخصیت‌های بزرگ تاریخ تشیع است. این قدیمی‌ترین سخن که معارض توثیق محمد بن عیسی بن عبید یقطینی است.

2. در ادامه مرحوم ابن‌بابویه شبیه این کلام را می‌گوید. چیزی که مرحوم ابن‌بابویه می‌گوید دقیقاً همان چیزی که استاد وی گفته است. این دومین تضعیف است. این دومی ناشی از کلام محمد بن حسن ولید است.

3. سومین نظر در مورد ایشان، تضعیفی است که در کلام شیخ آمده است. شیخ در آنجا دو مطلب را بیان کرده است: ابتدا می‌فرماید ضعیفٌ، بعد ایشان می‌فرماید این همان کسی است که محمد بن حسن ولید وی را ضعیف کرده است. مطلب بعدی این است که در مورد یقطینی گفته‌اند غلو می‌کرده است. پس در کل فرمایش شیخ سه نکته وجود دارد: 1. ضعیفٌ، 2. از کسانی است که محمد بن حسن بن ولید او را استثناء کرده است.3. غلو به وی نسبت داده شده است.

بعضی نیز می‌گویند که محمد بن عیسی بن عبید یقطینی ضعیف است، زیرا روایات ضعیف زرارة را نقل کرده است. این حرف صحیحی نیست و شاهد درستی نیست.

### جمع‌بندی

در یک طرف نجاشی وجود دارد که با تعابیر بلند، ایشان را توثیق می‌کند. در طرفی دیگر نیز تضعیف محمد بن حسن ولید، ابن‌بابویه و شیخ طوسی در فهرست،‌وجود دارد. در جاهایی که نجاشی و شیخ با هم تفاوت نظر دارند، به شخص اعتبار نمی‌کنیم و توثیق شخص ساقط می‌شود. در اینجا نیز ابتدا به نظر می‌آید که توثیق شیخ معارض است با تضعیف محمد بن حسن ولید و ابن‌بابویه و شیخ طوسی (ره). درنتیجه بعد از تعارض،‌تساقط می‌کنند.

### نظریه اول

کسانی معتقدند که چون تضعیفاتی در مقابل توثیق نجاشی وجود دارد، ایشان اعتباری ندارد.

### نظریه دوم

مرحوم مجلسی اول می‌فرماید که ظاهر قصه تعارض است اما عمق مسئله این‌طور نیست. ایشان می‌فرمایند: کلام مرحوم شیخ از نظر تاریخی این‌چنین است که اول محمد بن حسن بن ولید است بعد ابن‌بابویه است و بعد شیخ است. ایشان از انتها، شروع می‌کنند.

### بررسی علل تضعیف شیخ (ره)

چیزی که مرحوم شیخ فرمودند: محمد بن عیسی ضعیف است. دو دلیل در کلام شیخ برای تضعیف آمده است یکی استثنای محمد بن حسن بن ولید است. درنتیجه تضعیف شیخ به خاطر محمد بن حسن بن ولید است که نکته‌ی جدیدی نیست باید سراغ منبع برویم تا ببینیم چه دلیلی دارد. یک دلیل دیگر نیز غلو است که ایشان می‌گویند یرمی بالغلو. یعنی ایشان قبول نداشته است و فقط گفته شده است. غلو را به‌سادگی نمی‌توان بپذیریم. در آن زمان چیزهایی را که به‌سادگی نمی‌پذیرفتند حمل بر غلو می‌کردند. صرف اینکه کسی رمی به غلو بشود، نمی‌توانیم بر غلو حمل کنیم. درنتیجه غلو صغرویاً و کبرویاً محل اشکال است. یکی نیز در کلام قبلی‌هاست. درنتیجه تضعیف شیخ کنار می‌رود.

### بررسی علل تضعیف ابن‌بابویه

ابن‌بابویه کلمات استاد را به زبان می‌آورد و نکته‌ِی جدیدی ندارد و همان چیزهایی است که محمد بن حسن بن ولید درباره‌ی یقطینی گفته است. پس این دو دلیل نکته‌ی جدیدی ندارد.

### بررسی علت تضعیف محمد بن حسن بن ولید

عبارت محمد بن حسن بن ولید این نیست که ضعیفٌ و لایعتمد علیه. عبارت این است که ما تفرد به محمد بن عیسی عن یونس بن الرحمان فانه لا یعتمد علیه. اگر عن یونس بن الرحمان نبود، دلالت بر ضعف می‌شد. اما در اینجا قیدی وجود دارد و می‌گوید چیزهایی که محمد بن عیسی از یونس نقل می‌کند، قابل‌اعتماد نیست. ایشان می‌فرماید سر این مطلب چیست؟ وقتی از نظر تاریخی سن این‌ها را ببینیم، چیزهایی را که محمد بن عیسی از یونس بن الرحمان نقل کرده است در سنین نوجوانی‌اش بوده است و چون محمد بن حسن بن ولید صرف اجازه و نقل‌های معمولی را جایز نمی‌دانسته است و بایستی مطمئن می‌شد که در این شخص،‌در شرایط کمال، این سخنان را نقل می‌کند، از جهت پایین بودن سن، مشکلی دارد. درنتیجه اشکال این جمله محمد بن حسن بن ولید، به خاطر قصور بودن سن است. درنتیجه این دلیل تضعیف محمد بن عیسی بن عبید یقطینی نیست.

#### جمع‌بندی

با توجه به اشکالاتی که در ضعف گرفته شد،‌محمد بن عیسی بن عیبد یقطینی، توثیق پیدا می‌کنند. درنتیجه روایاتی که او از یونس بن عبدالرحمان نیز نقل می‌کند، توثیق پیدا می‌کند، چون محمد بن حسن بن ولید به خاطر سن پایین ایشان، این حرف را زدند و این اعتبار نیست که وی را توثیق نکنیم.

ما فرمایش مجلسی را تا حد زیادی قبول داریم. به دلیل کثرت روایات محمد بن عیسی و جایگاه وی و توثیق‌های نجاشی، ما مطمئن می‌شویم که کلام شیخ که می‌فرماید ضعیفٌ، به خاطر همان شبهه‌ای است که از زمان محمد بن حسن بن ولید شروع شده است و یک امر مستقلی نیست.

اما نکته‌ی مهمی که اینجا وجود دارد این است که، تضعیفات محمد بن عیسی به جایی برمی‌گردد که اثبات کردیم تضعیف نیست. اما مطلب دیگری وجود دارد و آن این است که در جاهایی که روایت از یونس بن عبدالرحمان نقل می‌کند، قابل‌قبول است. زیرا صغر سن مانع نیست. در اینجا بلوغ نیز شرط نیست.

## نظر ما نسبت به ضعف محمد بن عیسی بن عبید یقطینی

ما در محور اول مشکلی نداریم ولی در محور دوم اشکالی داریم. احتمال دادند که محمد بن حسن بن ولید به خاطر صغر سن محمود بن عیسی این تضعیف را گفته‌اند، ولی ممکن است، اشکال فنی دیگری در آنجا باشد، یا صغر سن وی آن‌قدر پایین بوده است یا همراه با شرایطی بوده است که نتوانیم آن روایات را بپذیریم. محمد بن حسن بن ولید، قریب در آن عصر بوده است، ایشان نیز از محمد بن عیسی نقلی دارد. وقتی ایشان می‌گوید که روایات محمد بن عیسی از یونس بن عبدالرحمان دارای مشکل فنی است باید قبول کنیم. زیرا ایشان از ابن‌بابویه، شیخ، نجاشی و دیگران نزدیک‌تر به عصر محمد بن عیسی است.

با این مباحثی که در بالا ذکر شد متوجه می‌شویم که سخن نجاشی با صحبت بزرگان دیگر تعارض ندارد. اصل تعارض در اینجا برداشته می‌شود.

نجاشی می‌گوید که محمد بن عیسی انسان بسیار خوبی است و توثیق دارد. محمد بن حسن بن ولید می‌گوید هر جا از یونس عبدالرحمان نقل می‌کند را نمی‌توانیم اعتبار کنیم. این اشکال را نمی‌توانیم به خاطر تنها صغر سن بودن بگیریم. درنتیجه ما قائل به تفصیلی درباره‌ی ایشان هستیم. ایشان را ثقه می‌دانیم ولی روایاتی که از یونس بن عبدالرحمان نقل کرده‌اند را نمی‌پذیریم.

1. وسائل الشیعه، ج 17،‌ ص 189 [↑](#footnote-ref-1)